

## «مؤمن» چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد

۱۱ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۴

مؤمن باید همیشه زیرک و زرنگ باشد و از هر راهی که می‌تواند برای خود حسنات کسب کند و ثواب جمع‌آوری نماید و خداوند نیز آن قدر بزرگواری است که فرمود: اگر شما قصد کار خوب را کنید، ولی آن را انجام ندهید، برای شما ثواب در نظر می‌گیرم.

موعظه و نصیحت، کلید سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت است. موعظه، دل‌ها را صفا می‌بخشد و چشم و جان را به جهان پُر رمز و راز معنویت می‌گشاید. خداوند متعال در قرآن کریم یکی از مهمترین تکالیف حضرت رسول(ص) را ارشاد مردم از راه پند و اندرز و موعظه معرفی می‌کند. به همین منظور، فرازهایی از درس اخلاق آیت‌الله سیدمحمد علوی گرگانی از مراجع تقلید را برای علاقه‌مندان بازنشر می‌کنیم:

حضرت رسول(ص) خطاب به ابوذر غفاری می‌فرماید: یا اباذر! أربَع لا یُصِیْهِنَّ الا مُؤْمِن الصُّمْتُ و هو أَوَّلُ العِبَادَةِ و التَّوَاضِعُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ و ذِکْرُ اللَّهِ تَعَالَى عَلٰی کُلِّ حَالٍ وَقَلَّةُ الشَّيْءِ یَعْنِي قَلَّةَ الْمَالِ. ای اباذر! چهار چیز است که اصابت نمی‌کند مگر به شخص مؤمن. اول سکوت که اولین عبادت است.

در تمام موارد سکوت اولین مرحله است. اگر مجلس نصیحت باشد، اولش سکوت است. اگر پای منبر روحانیون محترم، حرف زده شود یا چای داده و یا سیگار دود کنند اثر منبر و وعظ از بین می‌رود باید هنگام شنیدن موعظه و سخن نیک به گوینده آن گوش فرا داد.

امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ» هر کس به گوینده‌ای که صحبت می‌کند، گوش دهد، مشغول عبادت و پرستش اوست. پس سکوت اولین عبادت است در هنگام درس و تحصیل علم باید اول سکوت کرد. از امام (ع) سؤال کردند علم چیست؟ حضرت فرمودند: سکوت. پس اگر هنگام درس حرف زده شود، درس فهمیده نمی‌شود.

دوم آن که حضرت فرمودند: مؤمن از برای خدا تواضع دارد و خودش را کوچک می‌داند.

علت آنکه تواضع سخت است، این است که انسان باید خود را کوچک کند و در ظاهر خودش را پائین آورد. کسی که از لحاظ علمی نیرومند است و یا از نظر مالی قدرتمند و یا مقام او بالاست، اگر می‌خواهد متواضع باشد، باید خود را در مقابل افراد جاهل و ضعیف بالا نگیرد. ما باید از روح تواضعی که در ائمه (ع) بود الگو بگیریم.

امام معصوم که مرکز قطب عالم امکان است، اولی به انفس ماست و با آن ولایت عامه تامه مطلقه که دارد، بلند می‌شود و به خانه ضعفا می‌رود و احوال‌پرسی می‌کند و رسیدگی می‌نماید. پیغمبر اکرم (ص) نیز آن قدر متواضع بودند که ردای مبارک را زیر پای فردی که هنوز مسلمان نشده بود و در وادی ظلمت و جهل و کفر قرار داشت، انداخت.

روزی دختر حاتم طائی، نزد برادرش «عدی بن حاتم» رفت و از اخلاق و رفتار نیک و الهی پیامبر برای او صحبت کرد. عدی بن حاتم آن قدر خوشحال شد و تعجب کرد که تصمیم گرفت به خدمت حضرت رسول (ص) مشرف شود. وقتی خدمت پیامبر (ص) رسیدند، برای آن که آن حضرت به این جوان شخصیت بدهد، عبای مبارکشان را زیر پای او انداختند و عدی مسلمان شد و آخر هم به چه مقامی رسید. او سه فرزندش را در جنگ صفین در راه خدا داد. روی معاویه با عدی برخورد کرد و گفت: پسرهایت چه شدند؟ گفت: در رکاب مولی الموالی امرالمؤمنین حضرت علی (ع) به شهادت رسیدند. معاویه گفت: «ما أَنْصَفَ عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ بِكَ؟» یعنی علی با تو انصاف نکرده، بچه‌های خودش زنده هستند و بچه‌های تو را به کشتن داده است عدی چنان جوابی داد که معاویه متحیر ماند؛ او گفت: «ما أَنْصَفْتُ بَعْلِيَّ بِنِ ابِي طَالِبٍ؟» یعنی من به آقا انصاف ندادم، چرا باید او کشته شود و من زنده بمانم؟

بنابراین داشتن تواضع هم برای خود انسان مؤثر است و هم نسبت به دیگران اثر دارد. اگر خاندان عصمت و طهارت (ع) در قلب‌ها جای می‌گیرند به سبب تواضع و افتادگی آن‌ها در مقابل مردم، اعم از جاهل و دانا و فقیر و ثروتمند است.

ما چقدر تواضع داریم؟ چقدر به دیگران و محبین اهل بیت (ع) احترام می‌گذاریم؟

در دوران جوانی خود را اصلاح کنید که در دوران پیری و زمانی که رئیس القوم می‌شوید، نخواهید توانست. آن روز دیگر انتظار نصیحت دارید و واعظ منبری را هم قبول ندارید.

خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله حکیم (ره) را، با اینکه مرجع تقلید بود و در دنیا مشهور بود، می‌آمد و پای منبر آقای حاج شیخ عبدالحسین واعظ‌زاده در مدرسه آیت‌الله بروجردی (ره) می‌نشست. دیدم حاج عبدالحسین در منبر گفت: آقای سید محسن حکیم! حواست را جمع کن ای مرجع! فردای قیامت باید جواب دهی. من ناراحت شدم که چرا با ساحت یک مرجع بزرگ این‌گونه سخن می‌گوید. نگاه کردم دیدم که آقای حکیم دارد گریه می‌کند. از قضیه خبر نداشتم. با یکی از آقایان صحبت کردم و جریان را پرسیدم: او گفت: آقای حکیم از ایشان خواسته وقتی منبر رفتی و من پای منبر بودم، رسماً نام مرا ببر تا حواسم جمع باشد.

برادران عزیز! سال هاست که در لباس روحانیت هستید، سر سفره امام زمان (ارواحنا فداه) نشسته و نان او را خورده‌اید، حواستان جمع باشد که باید روزی جواب بدهید. «و ذکر الله تعالی علی کل حال»

سوم: اینکه در تمام حالات به یاد خدا باشید. گرفتن تسبیح به دست و سبحان الله گفتن خوب است، ولی اگر دل غافل باشد، چه فایده دارد؟

حضرت امام صادق (ع) فرمودند: «لیس ذکر الله بأن تقول سبحان الله و الحمد لله و لا الا الله و الله اکبر بل ذکر الله علی کل حال بانه اذا ورد علیک شیء امر الله به اخذف به و اذا ورد علیک شیء نهی الله عنه ترکته؛ یاد خدا بودن به این نیست که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگویند، بلکه ذکر الله به این است که یاد خدا باشید در همه حال به اینکه فرمان خدا را انجام دهی و از آن چه نهی فرموده، خود را باز داری.»

چهارم: «وقلّ شیء»؛ یعنی کمی مال. مؤمنین نوعاً کم مال دارند و خدا نمی‌گذارد مال زیاد به دست‌شان بیاید؛ زیرا نمی‌خواهد آلوده شوند.

«یا ابادرا! همّ بالحسنه و ان لم تعملها لکیلاً تکتب من الغافلین؛ ای ابوذر! همت را برای انجام کارهای نیک بگمار و نیت کار نیک کن، اگرچه آن را انجام ندهی تا جزو غافلین قرار نگیری.»

مؤمن باید همیشه زیرک و زرنگ باشد و از هر راهی که می‌تواند برای خود حسنات کسب کند و ثواب جمع‌آوری نماید و خداوند نیز آن قدر بزرگواری است که فرمود: اگر شما قصد کار خوب را کنید، ولی آن را انجام ندهید، برای شما ثواب در نظر می‌گیرم، فلذا خوب است انسان نیت کار خیر کند و بگوید: ای کاش دعا می‌خواندم و نماز به جا می‌آوردم، ذکر می‌گفتم و به برادران ایمانی مساعدت داشتم؛ زیرا خداوند دوست دارد به عناوین مختلف به یادش باشیم. نیت کار خیر کردن یکی از اسباب به یاد خدا بودن است.

در روایت است که روزی حضرت رسول (ص) با اصحاب در مسیر راه به نهر آبی برخورد کردند که رفتن به آن طرف قدری مشکل بود. پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: چه خوب بود که روی این نهر پلی زده می‌شد تا مردم برای رفت و آمد راحت باشند. یکی از مؤمنینی که همراه پیامبر بود، تا این کلام را از حضرت شنید، گفت: ای کاش پول و امکانات می‌داشتم و این پل را می‌زدم و متأسف شد.

نقل شده یک نفر یهودی بلافاصله پل را احداث می‌کند و بعد از مدتی که پیامبر اسلام (ص) باز از زهمان راه تشریف می‌برند، مشاهده می‌کنند که پل ساخته شده است. وقتی می‌فهمند یک یهودی آن را ساخته، فرمودند: «نیة المؤمنی خیر من عمله؛ نیت مؤمن از علم او بهتر است.» یعنی نیت آن مؤمن که همراه حضرت بود، از عمل این یهودی که پل را ساخت بهتر است؛ زیرا او خدا

در نظر بوده، گرچه بیان حضرت مذمتی بر عمل یهودی ندارد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۷۵۰/جاشد-داشته-جايد-پايد-ويترگه-مؤمنه/>